

زندگی و کسب‌وکار موفق برای همه (۳۸)

راهنمای کاربردی کار از راه دور در منزل

۶۰ تا به تا محل کار

مؤلف:

اریکا آرلاف، کتی لوینسون

مترجم:

خلیل رضوی

فرزانه حاج‌خلیلی



کاهش دانش

ناشر کتاب‌های آموزنده، به زبان ساده، برای همه

۶۰ ثانیه تا محل کار

مؤلف: اریکا آرلاف، کتی لوینسون مترجم: خلیل رضوی، فرزانه حاج‌خلیلی

ناشر: کاهش دانش نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۸

چاپ و صحافی: گاندی تیراژ: ۵۰۰ جلد قیمت: ۴۸ هزار تومان

شابک: ۶-۵۶-۶۵۲۴-۶۰۰-۹۷۸

مهره پخش: ۰۴۱۳۴۷۶۰۴۵۱-۰۸۹۰۰۱-۹۱۴۳۰

فروش اینترنتی: www.biziket.com/kahkeshan

چاپ و تکثیر بدون مجوز ناشر ممنوع است
تمام حقوق نشر برای انتشارات کاهش دانش محفوظ است

سرشناسه: آرلاف، اریکا Orloff, Erica

عنوان و نام پدیدآور: ۶۰ ثانیه تا محل کار: راهنمای کاربردی کار در راه دور / منزل / مولف اریکا اورلاف، کتی لوینسون

مترجم خلیل رضوی، فرزانه حاج‌خلیلی.

مشخصات نشر: تبریز: کاهش دانش، ۱۳۹۸.

فروست: زندگی و کسب‌وکار موفق برای همه، ۳۸.

یادداشت: عنوان اصلی: The 60-second commute: a guide to your 24/7 home office life.

یادداشت: راهنمای کاربردی کار از راه دور در منزل.

عنوان گسترده: شصت ثانیه تا محل کار: راهنمای کاربردی کار از راه دور در منزل.

موضوع: کسب‌وکار خانگی

موضوع: خوداشتغال‌ها و خوداشتغالی

موضوع: کسب‌وکار خانگی - مدیریت

شناسه افزوده: لوینسون، کتی

شناسه افزوده: رضوی، خلیل، ۱۳۵۴ - مترجم

شناسه افزوده: حاج‌خلیلی، فرزانه، ۱۳۷۶ - مترجم

رده‌بندی دیویی: ۶۵۸/۰۴۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۶۳۶۱۳۵

فهرست مطالب

۹	مقدمه‌ی مولفین
۱۹	فصل ۱: ایستگاه بعد: خانه
۲۷	آیا برای کار در خانه مناسب هستید؟
۳۳	آیا توانایی‌های لازم را دارید؟
۳۵	فصل ۲: ایجاد فضای مناسب برای کار در خانه
۳۵	اتاقی با منظره‌ی لباس‌شویی
۳۷	اتاقی با یک رختخوابی
۳۹	منطقه بچه‌ها
۴۱	عزیزم، با حرف تون
۴۱	کار و بازی
۴۲	نگرانی در مورد تجزیهات
۴۳	علم طراحی طبق خصوصیات مکان: محل کار در خانه راحت باشید
۴۵	کار در خانه در عرض ۶۰ ثانیه: یک شمشیر
۴۷	فصل ۳: تکنولوژی‌های لازم برای محل کار در خانه
۴۸	تجهیزات و وسایل
۵۳	خطوط ارتباطی: اینترنت و تلفن
۵۸	تکنولوژی برای محل کار در ۶۰ ثانیه
۶۱	فصل ۴: سبک زندگی ۲۴ ساعته در ۷ روز هفته
۶۱	مدیریت زمان در محل کار در خانه
۶۱	زمان کجا می‌رود؟
۶۲	نظم از همان آغاز
۶۳	بازهای فیزیکی بدن در زمان خاص: با مدیریت به آن‌ها برسید
۶۴	هوشیاری بعد از نوشیدن قهوه
۶۶	زمان سکوت
۶۸	در را ببندید، حتی وقتی دری ندارید
۶۸	مدیریت زمان در زندگی شخصتان
۷۰	برنامه‌ی ب: وقتی یک روز خوب، بد پیش می‌رود، خیلی بد
۷۳	مذاکره در هیئت‌مدیره‌ی محل کار در خانه
۷۴	مدیریت زمان و بازدهی
۷۴	هر روز فقط ۲۴ ساعت است؛ زمان بیش‌تری رزرو کنید

۷۵	تعمیق: ما آن را آخر از همه قرار دادیم.....
۸۱	فصل ۵: نظم؛ چه‌طور کارها را باهم انجام دهید.....
۸۳	واقعا چه قدر مرتب هستید؟.....
۸۶	آبجاذ سیستم نظم و سازمان‌دهی در پنج مرحله‌ی سریع.....
۹۸	حمله‌ی بچه‌ها به محل کار در خانه.....
۱۰۱	ریتم خانه.....
۱۰۳	فصل ۶: حرفه‌ای بودن در محل کار در خانه.....
۱۰۳	می‌توانید گاهی برخی‌ها را قریب دهید.....
۱۱۰	تلفن: را آزاد نگه دارید: تلفن در محل کار در خانه.....
۱۱۱	اداب ایمیل: به طرز رفتار تان در اینترنت اهمیت دهید.....
۱۱۵	فصل ۷: شروع کنید: طرح بودجه و کسب‌وکار.....
۱۱۶	گزینه‌های راه‌اندازی.....
۱۲۱	اول از همه به تشریفات اداری بپردازید.....
۱۲۱	سوالات متداول در مورد اد شرکت.....
۱۲۳	طرح کسب‌وکار شما.....
۱۲۶	سه راه برای نوشتن طرح کسب‌وکار.....
۱۲۷	برای کسب‌وکار تان نام انتخاب کنید.....
۱۲۸	شماره‌ی شناسایی کارفرما.....
۱۲۹	نیت و بسایت.....
۱۲۹	برنامه در صورت وقوع حادثه برای کسب‌وکار تان.....
۱۳۶	نقشه داشته باشید، سفر کنید.....
۱۳۷	فصل ۸: مالیات؛ پشت فرمان خواب‌تان نگیرد.....
۱۳۸	حساب‌دار شما.....
۱۴۰	نقطه‌ی آغازین.....
۱۴۱	تصمیم در مورد مالیات سالانه.....
۱۴۱	از چه روش حساب‌داری باید استفاده کنید؟.....
۱۴۳	ساده نگاه دارید.....
۱۴۴	نگاهی به سوابق تان.....
۱۴۵	کسورات محل کار در خانه.....
۱۴۸	تعین معافیت نسبی.....
۱۴۹	کسورات کسب‌وکار.....
۱۵۱	توضیح کسورات کاری معمول و مخارج.....
۱۵۳	این موارد را از لیست کسورات حذف کنید.....

۱۵۴	نامحسوس حرکت کردن
۱۵۵	سؤالات متداول
۱۵۹	فصل ۹: وکیل خیره؛ فهم کسبوکارتان و قانون
۱۶۰	استخدام وکیل
۱۶۲	اطمینان حاصل کنید که در ناحیه هستید
۱۶۴	تخطی از قوانین منطقه‌بندی
۱۶۵	مجوز مغایر منطقه‌بندی
۱۶۶	پروانه‌ها و مجوزهای کاری
۱۶۹	مالکیت ماهی
۱۷۰	علائم توری
۱۷۵	حوزه‌های عمومی
۱۷۵	فرار داد عدم افشا
۱۷۶	تجارت الکترونیک
۱۷۶	سؤالات متداول حقوق
۱۷۸	روی هدف‌تان متمرکز شوید
۱۷۹	فصل ۱۰: بیمه‌ی کار در خانه
۱۷۹	بیمه‌ی سلامت
۱۸۰	بیمه‌ی خانه و مستأجر
۱۸۱	بیمه‌ی عمر
۱۸۳	فصل ۱۱: افسردگی پس از گرفتن نامه‌ی اخراج
۱۸۳	مهمانی تمام شده است
۱۸۵	مشکلات ناگهانی در زمان خوشی
۱۸۶	کارهایی که باید قبل از دست دادن شغل انجام دهید
۱۸۷	اولین قدم بعد از دست دادن شغل
۱۸۹	فریب نخورید
۱۹۰	هشدار برای کلاهبرداری‌های ممکن
۱۹۲	تبدیل شرایط منفی به مثبت
۱۹۵	فصل ۱۲: مراقبت از فرزند؛ راه رفتن روی طناب
۱۹۵	آیا می‌توانید به تنهایی انجامش دهید؟
۱۹۶	قانون زمان من، زمان شما و زمان ما
۱۹۸	از کجا بدانید چه چیزی نیاز دارید؟
۲۰۰	فهرست گریه‌های مراقبت از کودک
۲۰۳	فصل ۱۳: روش‌هایی برای ادامه دادن در شرایط سخت

- ۲۰۳ به خودتان انگیزه بدهید وقتی فقط یک صدای تکراری را میشنوید.
- ۲۰۷ ۱۰ کار که باید در زمان های سخت انجام دهید
- ۲۱۰ این افراد را فراموش نکنید
- فصل ۱۴: پیشنهاد دورکاری؛ ورود به محل کار در خانه ۲۱۱
- ۲۱۱ مجاب کردن رئیس برای کار در خانه
- ۲۱۲ انعطافپذیر باشید
- ۲۱۳ احتیاط در مقابل واکنش های منفی
- ۲۱۴ بیش از حد کار نکنید
- فصل ۱۵: بازاریابی برای خود و کسبوکار کوچکتان ۲۱۷
- ۲۱۷ نامه ری. شبکه سازی (معاشرت) است
- ۲۲۰ توصیه هایی برای روابط عمومی
- ۲۲۲ ولای رفیق

مقدمه‌ی مولفین

کتاب پیش رو در مورد رؤیای پنهان شماست که منتظر فرصتی برای عملی کردن آن هستید. این کتاب در مورد تصمیمی برای تغییر مسیر است - مسیری که تنها برای شماست. در مورد به کار گرفتن تمام آموزش‌ها و تحصیلات و تجربیاتان است تا به این حقیقت برسید که زمان آن رسیده تا زندگی خودتان را داشته باشید - در مسیر خودتان با قواعد خاص شما.

هر دو نویسنده‌ی این کتاب، شغلی داشته‌اند که ملزم به طی مسیری روزانه با قطار، مترو و مواری و طی کردن آزادراه بوده‌اند. ما انتظار کشیدن روی سکوی قطار و مترو در دمای زیر منفردرجه را تجربه کرده‌ایم، وقتی باور نمی‌کردیم که چرا یک دقیقه این قدر طولانی به نظر می‌آید. ما نیز محروم شده‌ایم در گرمای بی‌حال‌کننده‌ی مترو راه خودمان را از میان انبوه جمعیت عبور کنیم و در حال کورمال جلو برویم تا این که می‌فهمیدیم به شخص کناری خیلی نزدیک شده‌ایم! ما گاهی کردن در ترافیک وحشت‌ناک را نیز تجربه کرده‌ایم، وقتی علامت بنزین ماشین نشان می‌داد باک ماشین تقریباً خالی است و چاره‌ای نداشتیم که به محل کار زنگ بزنیم و بگوییم: «بر می‌رسیم».

چه چیزی ما را خاص و متفاوت می‌کند؟ هیچ چیز. ما نیز مانند همه کار می‌کنیم، کارهای منزل را انجام می‌دهیم، فرزندانمان را بزرگ می‌کنیم، ولی یک استثناء وجود دارد، ما، همه‌ی این کارها را در خانه انجام می‌دهیم. ما زندگی می‌کنیم، ولی در خانه، آن سفرهای احمقانه برای رفتن به محل کار و سپری کردن ساعت‌های طولانی و دور بودن از عزیزان، حیوانات خانگی و خانه‌مان تمام شده است. این روزها تنها ۶۰ ثانیه و حتی کمتر طول می‌کشد تا به محل کارمان برسیم، یعنی زمانی که از یک اتاق به اتاق دیگر می‌رویم. آیا هنوز سخت کار می‌کنیم؟ گاهی به نظر می‌رسد که از این سخت‌تر کار نکرده‌ایم. آیا شغل‌مان را عوض می‌کنیم و به کار در اداره برمی‌گردیم؟ هرگز.

تغییر ممکن است هولناک باشد. تغییر به معنای رفتن به مسیر و مقصدی ناشناخته است. ماندن در مکانی که همیشه بوده‌اید و مشغول شدن به کار همیشگی‌تان به این معنی است که حداقل می‌دانید کجا هستید و چه انتظاری دارید - مثل همیشه. ولی اگر

این کتاب را در دست‌تان بگیرید، به تغییر فکر خواهید کرد. به این فکر می‌کنید که چه‌طور زندگی‌تان را به همه‌ی جوانب و سرحد احتمالات آن بکشانید.

در ادامه دو داستان تقدیم می‌کنیم تا سرعت لاک‌پستی را فراموش کنید و در عرض ۶۰ ثانیه از تخت‌خواب‌تان به دفتر کارتان برسید.

درباره‌ی اریکا

کسی به من نگفته بود که اگر روزی نویسنده و ویراستار شوم، می‌توانم از خانه، کار برامدی داشته باشم. در حقیقت، یک گله اسب وحشی هم نمی‌تواند از زیر زبان من سر را بیرون بکشد. (و در هر صورت دروغ می‌گویم)، ولی آن زمان که دانشگاه را تمام کردم، هیچ‌کس در خانه کار نمی‌کرد. تا حالا در موردش نشنیده‌اید. ایمیل وجود نداشت. فکر یک استرئو جدید پیش‌رفته بود و به غیر از هنرمندان مستقل و رمان‌نویسان پرتلاش، هیچ‌کس خانه‌اش نبود. ما پذیرفته بودیم که روزمره‌های همیشگی بخشی از کار هستند. آن ایده که روزی کسی از خواب بیدار شود و بتواند یک فنجان قهوه در خانه و یا آب‌انبار خود بجوشاند و با حوله‌ی حمام به سراغ میز کارش برود و با همه‌ی تکنولوژی‌های جدید روی میزش امرارمعاش کند دور از ذهن بود. کسی در موردش نشنیده بود.

به دنیای نشر وارد و در یک دفتر مشغول به کار کردم جایی که نورش کم بود و در سرمای زمستان نیویورک، خیلی سرد می‌شد و در استانه‌ها که لر جواب نمی‌داد و عرق می‌کردیم. وقتی فرزند اولم به دنیا آمد، فرصتی شغلی پیش آمد تا به صورت آزاد و مستقل برای یک روزنامه مقاله بنویسم - در خانه. تکنولوژی‌ها بعداً آمده بودند. الان داشتیم در موردش صحبت می‌کردیم - کسب درآمد از طریق کار در خانه. کاری بود که واقعاً می‌توانستم به آن عادت کنم. فکر نمی‌کنم تا حالا به عقب نگاه کرده باشم.

آن زمان برای من بحث فرزندانم مطرح بود. یک دفتر در یک گوشه با پلاکاردی روی درب که عنوان من را متذکر می‌شد نمی‌خواستیم. خانواده‌ام می‌توانند به شما بگویند که

همیشه عجیب بودم (من واژه‌ی غیرعادی را ترجیح می‌دهم) - حتی وقتی بچه بودم. طبیعی بود که وقتی فهمیدم می‌توان مسیر کار را در ۶۰ ثانیه طی کنم، یک لحظه از جای خود پریدم. هیچ وقت نمی‌توانستم ساعت ۹ به سر کارم برسم. از آن دسته از خانم‌هایی بودم که جورابم را داخل ماشین در ترافیک آزادراه می‌پوشیدم و از آینه‌ی ماشین استفاده می‌کردم که آرایش کنم. بله، من این‌طور بودم.

وقتی فرزند دوم به دنیا آمد، من شغل معمولی ویراستاری را داشتم که از آن طریق سالانه ۵۰۰۰ دلار کسب درآمد می‌کردم. بد نبود، با توجه به این‌که مجبور نبودم لباس رسمی بپوشم، و لحظه‌ی راه رفتن پسر و بازی دخترم در مدرسه را از دست نمی‌دادم. وقتی از ۲۴ ساعت ماندن در خانه با فرزندانی لذت می‌بردم، فکری به ذهنم رسید: حتی اگر فرزندی نداشتم و یا حتی اگر به طرز سحرآمیزی همین فردا ۱۸ ساله‌شان می‌شد و از قفس می‌پریدند، دیگر می‌گز، رنژ، هرگز نمی‌خواستم به کار اداری برگردم. آزادی‌ام از هر چیزی برایم باارزش‌تر بود.

زمان به دنیا آمدن فرزند سوم، کار من برایم سه برابر شده بود. نه تنها مجبور نبودم با شلوار رسمی به محل کار سفر کنم، حتی از کسانی که با قطار سر کار می‌رفتند و سینه‌دم بیرون می‌زدند تا ساعت ۹ به دفترشان می‌رسید هم پیش‌تر پول درمی‌آورد. و هر زمانی که به مهمانی، مطب دکتر و یا پارک می‌رفتم اگر می‌پرسیدند که شغل چیست و در جواب می‌گفتم که نویسنده* و ویراستار هستم. هر چند رسیدن به محل کار در ۶۰ ثانیه ترسناک می‌کنم باعث حیرت‌شان می‌شدم. هر چند رسیدن به محل کار در ۶۰ ثانیه ترسناک، هیجان‌انگیز، و بی‌نظم به نظر می‌رسید، چیزی بود که ظاهراً خیلی‌ها خواهش می‌کردند. آن‌ها سوال می‌کردند، بسیار می‌پرسیدند. سوال‌های بسیاری که من را برانگیخت تا کتابی بنویسم تا به آن‌ها توضیح دهم چه‌طور این کار را خوب و با خوش حالی انجام دهیم، چه‌طور به همه‌ی کارها برسیم، چه‌طور با وکلا و امور مالیاتی برخورد کنیم و یا چه‌طور وقتی صدای بلندی می‌آید و نمی‌شود تمرکز کرد به تلفن جواب دهیم. همه‌ی

اصول عملی کار در خانه. از جمله رسیدن به محل کار در ۶۰ ثانیه - در یک روز آرام.

در مورد کتی

زمان زیادی به مدرسه رفتم و چند مدرک به دست آوردم. بعد از سال‌ها کار بالینی به عنوان روان‌شناس مدرسه، درمان‌گر خانوادگی و ناظر بیمارستان کار خود را آغاز کردم. زبانی زندگی‌ام بود - یا این‌طور فکر می‌کردم. یک دفتر جذاب پیدا کردم و جشن آخر کار گرفتم. با وجود داشتن یک دفتر زیبا و دنج با موسیقی پس‌زمینه و قهوه‌ساز مخصوص خودم، باز هم تنها و گسل بودم. پایان روز احساس بوی و خستگی

مفرط کردم. شمع خواننده‌ی مشهور در سرم بود؛ همه‌اش همین بود؟

همیشه خیال می‌کردم که بعداً در خانه کار می‌کنم و می‌نویسم. همیشه فکر می‌کردم که کار در خانه برای کسانی است که کم‌کم کار درخشانی که داشته‌اند را از دست داده‌اند و نمی‌خواهند دوباره شروع کنند. ولی یک تماس تلفنی این نقطه‌نظر را سرکوب کرد. بعد از سه روز قرار دیدن من و همسرم سرپرستی بچه‌ای شش‌ماهه اهل ویتنام را بر عهده بگیریم. حتی یک پوشک هم در خانه نداشتیم، چه برسد به تخت بچه. ورود پسرمان لحظه‌ی سرنوشت‌سازی در زندگی من بود. آن لحظه دقیقاً می‌دانستم چه می‌خواهم. می‌خواستم در خانه کار کنم و پدر را بزرگ کنم.

کار خصوصی را رها کردم و یک شرکت نشر کوچک در خانه راه انداختم. همه سرشان را تکان می‌دادند و فکر می‌کردند دیوانه شده‌ام. خودشان فکر می‌کردند که آن همه سابقه‌ی کار بالینی را دارم دور می‌اندازم. ولی من این نورانی‌ترین فرصت عالی برای استفاده از تجارب و دانش خودم و تبدیل آن‌ها به چیزی به اقتضای زندگی‌ام می‌دانستم. هنوز یک روان‌شناس بودم - که عوض نشده بود. در آن کار خصوصی داشتم می‌مردم، ولی الان احساس آزادی می‌کردم.

مسیر رفتن به کار نشر پر از بلندی‌های ماجراجویانه و پستی‌های مهیج بود. از اولین کتاب‌هایی که منتشر کردم کتاب خودم با عنوان کمک‌های اولیه برای کج خلقی بود.

وقتی رسانه‌ها متوجه این کتاب شدند، زنگ تلفن به صدا آمد. به نیویورک پرواز کردم تا در برنامه‌ی صبح‌به‌خیر امریکا و MSNBC شرکت کنم. در آن برنامه با یکی از شرکت‌کننده‌های مطالبه‌گر بحث داشتیم که اقرار کرد کارش این است که با عصبانیت راهبه‌ها را به مدرسه‌ای وابسته به کلیسا برساند. از دست تماشاگران شلوغ زنده ماندم و دوبار بعد به آن برنامه دعوت شدم. برای یک هفته در سراسر کشور تور معرفی کتاب انداختم و با گارد محافظ از استودیوی تلویزیون به ایستگاه رادیویی و دفتر روزنامه‌ی رفتن دیدن انسان‌های جدید در هر شهری بسیار هیجان‌انگیز بود.

کار سخت و بازه‌ی زمانی آن استرس‌زا بود، ولی نشر کتاب از داخل خانه را دوست داشتم. لحظاتی است که هرگز فراموش نمی‌کنم. مثل لحظه‌ای که پسر من در چمن‌زار روبه‌رو در حال بازی بود. من داشتم مصاحبه‌ی رادیویی زنده انجام می‌دادم، و یا لحظه‌ای که دیدم کتاب به آنال دیگری پهناب شده است.

اگرچه به عنوان یک نویسنده هر روز قبی‌ی‌کردم، ولی به همان میزان کارم به عنوان ناشر سخت‌تر می‌شد. شرکت نشر کورک من نمی‌توانست با شرکت‌های بزرگ رقابت کند. شکست، حس اعتمادیه‌نفس را از من می‌گرفت و حساب بانکی خانوادگی را هم مشکل‌ساز می‌کرد. دوره‌ی آسانی نبود.

همه بصیرت بعد از وقوع واقعه را دوست دارند. مگر به گذشته نگاه کنم می‌فهمم که کجا مرتکب اشتباه شدم. برخی از این اشتباهات به یک توزیع‌سندی کشوری که به شرافت و اخلاق حرفه‌ای کم‌تر پای‌بند بود، مربوط می‌شود. حساب‌دار و رکب اصرار داشتند که من راه‌های قانونی را در پیش بگیرم، ولی حساب شرکت نادر بود. اشتباهات دیگر متوجه خودم بود. با تجربه‌ی کم و بدون داشتن برنامه‌ی کاری وارد حوزه‌ی نشر شدم. فکر می‌کردم که این‌قدر باهوش هستیم که بفهمم چه کار کنیم. این اشتباهات برای هر کسی که یک کار جدید را آغاز می‌کند معمول هستند.

کبود و کتک خورده - شرط می‌بندید. ولی چرا یک حرف بزرگ روی سرم به معنی بازنده حک نکردم؟ آن‌طور که من به زندگی نگاه می‌کنم همیشه چاره‌ای وجود دارد. وقتی می‌لنگید می‌توانید به جلو بروید و یا بروید زیر تخت قایم شوید. تصمیم گرفتم که یک ناشر کوچک باشم ولی جواب نداد. انسان‌ها هر روز شکست می‌خورند. من تصمیم گرفتم که به جلو حرکت کنم.

از شکست خوردم، چه‌طور توانستم دوباره موفق شوم؟ موفق شدم زیرا در طول سال‌های کاری‌ام به‌عنوان ناشر، جنبه‌های مختلف کاری را یاد گرفتم. از ویرایش پیش‌رفته تا احمی جلد کتاب. صددرصد به سختی یاد گرفتم، ولی به‌هرحال یاد گرفتم. یاد گرفتم در یک‌سری از قسمت‌های نشر مانند نوشتن و حضور در تلویزیون تا حدی خوب بودم. از آن مهارت‌ها استفاده کردم و خودم را به‌عنوان یک فرد مستقل به دیگران معرفی کردم، و همه‌ی این کارها را از دفترم در خانه انجام دادم. بهترین قسمتش این است که حتی یک دقیقه را بدون فرزندانم نگذراندم و دوباره دارم کتاب‌های خودم را می‌نویسم.

امروز، نه‌تنها روان‌شناس، بلکه نویسنده و سخنران هستم. کار در خانه این فرصت را به من داد که فرزندانم را بزرگ کنم، کارهای من را انجام بدهم، از مادرم که هم اکنون با ما زندگی می‌کند مراقبت کنم و درآمد جازدهام را بیشتر کنم. احساسی که این موفقیت در من به وجود آورده را دوست دارم.

درباره‌ی ۶۰ ثانیه تا محل کار

کتاب ۶۰ ثانیه تا محل کار راهنمای ایجاد و افتتاح محل کار در خانه است. با هدف ارائه‌ی ایده و پاسخ به سوالات طراحی شده است و در این مسیر برای هر گام یک سری اطلاعات و راه‌بردهایی در اختیار می‌گذارد. اگر در خانه با کامپیوتر به شرکتی وصل هستید و کار می‌کنید و یا شب‌کار، مشاور و صاحب کسب‌وکار هستید، این کتاب برای شما مفید خواهد بود. این کتاب حاصل ۲۲ سال تجربه‌ی مؤلفان آن اریکا اُرف و دکترکتی لوینسان است.

تقسیم‌بندی کتاب

کتاب ۶۰ ثانیه تا محل کار از ۱۵ فصل، و چهار ضمیمه تشکیل شده است. در هر بخش یک سری اطلاعات مفید و عملی ارائه می‌شود که نشان می‌دهد چه‌طور در خانه شروع به کار کنید. چه‌طور دفتر خود را در خانه راه بیندازید، از فرزندان‌تان مراقبت کنید و چه‌طور گزارش مالیاتی رد کنید و هیچ سوالی را بی‌جواب نگذاشته است.

فصل ۱: ایستگ، بعد، خانه.

می‌دانستید که حدود ۶۰ میلیون نفر، حداقل یک روز در هفته، کار در خانه انجام می‌دهند؟ خبر آزا به همه ما رسیده و در سراسر کشور در حال گسترش است - در خانه کار کنید، علایق خود را دنبال کنید و زندگی‌تان را در دست بگیرید. ببینید چه کسانی از میز آشپزخانه شروع کردند و امروز از موفقیتی حیرت‌آور لذت می‌برند. تست ما را انجام دهید تا بفهمید آیا ما برای کار در خانه ساخته شده‌اید یا نه. ببینید چه‌طور کسانی که در خانه کار می‌کنند، برنامه خواهند داشت به شغل سابق خود به دور از خانه برگردند.

فصل ۲: فضایی را برای ۶۰ ثانیه تا محل کار ایجاد کنید

اولین گام مهم، ایجاد فضایی برای دفتری در خانه است. به خانه‌تان به صورت یک کلبه، آپارتمان، قایق و چه خانه‌ای ویلایی باشد، باید فضایی برای کار اختصاص دهید. در این فصل ما توضیح می‌دهیم که چه‌طور فضای کاری خود را به بهترین شکل ممکن بسازید.

فصل ۳: تکنولوژی: ضروریات برای ۶۰ ثانیه تا محل کار.

همه‌ی شاغلین در خانه به تجهیزاتی نیازمندند. این فصل همه را پوشش می‌دهد، از جمله کامپیوتر و ماشین فاکس و به زبان ساده، موارد لازم را در اختیار شما می‌گذارد.

اگر مطمئن نیستید که در محل کار در خانه به چه چیز نیاز دارید و چه طور باید آن را بسازید، این فصل به سوالات شما پاسخ می‌دهد.

فصل ۴: سبک زندگی ۲۴ ساعت در ۷ روز هفته: مدیریت زمان در محل کار در خانه. زمان چیزی است که ظاهراً هر چه بیش‌تر به آن نیاز داریم، ولی مطمئن نیستیم چه طور باید به دستش بیاوریم. این فصل در مورد این است که چه طور زمان خود را به حداکثر برسانید و چه طور مانع بروز وقفه شوید و کل بازدهی خود را ارتقا بخشید.

فصل ۵: سازمان‌دهی: چه طور به همه‌ی کارها برسید.

هیچ چیز از سیستمی نمی‌تواند یک رؤیا را از بین ببرد. این فصل با اعترافات دو زن بی‌ظن آغاز می‌شود و دو تا از اشتباهات تأسف‌برانگیز اربکا و کتی را در طول این مسیر توصیف می‌کند. در ادامه تستی برای سنجش میزان منظم بودن شما ارائه می‌شود. در پایان، یک راه‌سای گام‌به‌گام برای منظم شدن و همچنین توصیه‌هایی برای مدیریت هجوم بچه‌ها به خانه‌تان تقدیم می‌شود.

فصل ۶: حرفه‌ای بودن در محل کار در خانه.

این فصل به شما کمک می‌کند تا بهترین تصویر حرفه‌ای خود را وقتی در خانه کار می‌کنید ارائه دهید. چه در خانه با کامپیوتر به شرکتی وصل باشید و چه صاحب یک کسب‌وکار کوچک باشید، نمی‌خواهید با غیر-رفه‌ای شدن، اعتبار خود را از دست دهید. این فصل کارت‌های تجاری، بروشور، سیستم تماس و ساخت وب‌سایت‌های جذاب را پوشش می‌دهد.

فصل ۷: شروع کنید: کسب‌وکار و برنامه‌ریزی بودجه.

وقتی تصمیم به راه‌اندازی کاری در خانه می‌کنید، باید آستین‌های‌تان را بالا بزنید و برنامه‌ریزی را حائز اهمیت بدانید و قانونی پیش بروید. این فصل، ساختار قانونی و برنامه‌ریزی کار را به صورت مفصل توضیح می‌دهد. نحوه‌ی نام‌گذاری و ثبت‌نام تجاری، ثبت شرکت و وب‌سایت و تعیین هزینه‌ی راه‌اندازی را توضیح می‌دهیم. فهرست کامل و کاربرگ طراحی شده با هدف قرار دادن شما در مسیر موفقیت است.

فصل ۸: مالیات: پشت فرمان خواب نروید.

ما یک راهنمای گام به گام در مورد آنچه شما درباره مالیات باید بدانید و این که چه طور در برنامه ی نرم افزار، حساب دارتان را قبل از زمان تعیین شده انتخاب کنید ارائه می دهد تا ترس تان از مالیات بریزد. این فصل روش های حساب داری، کسری مالیات برای کار در خانه، و مالیات های سه ماهه را توضیح می دهد و این که چه طور از دست اداره ی مالیات فرار کنید و به مشکل نخورید.

فصل ۹: کارشناس حقوقی: فهم قانون و کسب و کارتان.

راه اندازی کار در خانه چنان انگیز است و برای بسیاری یک رویای همیشگی است. یاد بگیرید که همان اول - طور کارتان را به درستی راه اندازی کنید تا بعدها بتوانید از مزایای آن استفاده کنید. این فصل در مورد استخدام وکیل، درخواست مجوز، درخواست حق ثبت و کپی حافظ از اسرار تجاری است.

فصل ۱۰: بیمه در محل کار خانه.

وقتی کسب و کار خود را آغاز می کنید، باید بیمه عمر و سلامت بخواهید. این فصل در مورد گزینه های بیمه ی سلامت، بیمه ی کال و دیگر بیمه هاست. بیاموزید که چه طور تصمیمات بیمه ای عاقلانه بگیرید و برای اطلاع بیشتر به کجا مراجعه کنید.

فصل ۱۱: افسردگی از دست دادن کار.

حسی داشتید که می گفت ممکن است برای شما اتفاق بیفتد - و این اتفاق افتاد. نامه ی اخراج و از دست دادن کار، تجربه ای هولناک و نگران کننده است. بیاموزید که قبل از دست دادن شغل چه مراحل را بروید و اگر اخراج شدید چه کار کنید. بیاموزید چه طور دوباره شروع کنید و از کلاه برداری حذر کنید و به دنبال آنچه باید انجام دهید بروید.

فصل ۱۲: مراقبت از فرزند: زندگی در خطر.

مراقبت از فرزند بخشی از کار در خانه است. در این فصل ما گزینه‌های موجود از جمله پرستار بچه، و کسی که نگهدار فرزند است و نحوه‌ی انتخاب شخص مناسب را مورد بحث قرار می‌دهیم.

فصل ۱۳: استراتژی‌هایی به هنگام توقف وقتی رو به جلو رفتن سخت می‌شود. کسب‌وکار مانند زندگی، پستی و بلندی‌های خود را دارد. روزها و ماه‌هایی وجود دارد که هیچ چیز ظاهراً خوب پیش نمی‌رود. در این فصل ما به شما می‌گوییم که وقتی خسته شدید چه‌طور باطری خود را دوباره شارژ کنید و بر احساس انزوای خود که گاهی پیش می‌آید غلبه کنید. با ۱۰ چیزی که هنگام بروز خطر شکست کاری و برای زنده ماندن دوباره‌ی آن می‌توانید انجام دهید آشنا شوید.

فصل ۱۴: پس از پیشنهاد ارتباط از راه دور: ورود به محل کار در خانه. هر روز شرکت‌های بیشتری برنامه‌ی ارتباط از راه دور را به کارمندان خود پیشنهاد می‌دهند. در واقع تصمیم در مورد این‌که چه کسی کار در خانه انجام دهد با مدیر است. اگر می‌خواهید رئیس‌تان فرصت کار در خانه را برای شما فراهم کند، به این فصل مراجعه کنید تا ببینید چه طول پیشنهاد ارتباط از راه دور را مطرح کنید.

فصل ۱۵: بازاریابی در مورد خود و کسب‌وکار شرکت‌تان. چه شما کسی باشید که از راه دور با کامپیوتر کار می‌کند و باید به مخاطبان‌تان وصل باشید و یا صاحب یک کسب‌وکاری هستید که خود باید دست به کار شوید، به هر حال باید بازاریابی انجام دهید. این فصل در مورد انبوه راه‌های شبکه‌سازی و بازاریابی است که به شما می‌آموزد چه‌طور از فرصت‌ها استفاده کنید. به ایده‌های جدید فکر کنید و از منطقه‌ی امن خود خارج شوید.